

آب، این روح مذاب امید و زندگی، تازه نفس، جوان، زلال و نیرومند با گام های استوار و امیدوار شتابان می رفت تا خود را به دهان خشک زمین برساند.

اسکندر در اثنای سفر به شهری رسید و از گورستان عبور کرد. سنگ مزارها را خواند و به حیرت فرو رفت؛ زیرا مدت حیات صاحبان قبور بر روی قبرها حک شده بود.

استاد حسابی، خود حافظ قرآن بود و فرزندان را از کودکی به یادگیری و انجام واجبات دینی تشویق می کرد. حتی آنان را به تلاوت آیات به شیوه صحیح و درک کامل معانی آنها و می داشت و علاوه بر دانش اندوزی، به یادگیری امور فنی مانند بنایی، جوش کاری و نجاری فرا می خواند و خود نیز برای ساخت قطعات صنعتی، تا پاسی از شب کار می کرد.

وقتی رجایی به داخل ماشین آمد، عرق کرده و خسته بود. به او گفتیم: «اگر این وضع ادامه پیدا کند، دست و پای سالم برایتان باقی نخواهد ماند». همان طور که نفس نفس می زد، گفت: «بی دست هم می شود زندگی کرد ولی بی مردم نمی شود».

اگر زبان فارسی از میان رفته بود ما امروزه آثار گران بها و شاهکار اسلامی ارزنده ای همچون مثنوی، گلستان، دیوان، حافظ، آثار نظامی و صدها اثر زیبای دیگر نداشتیم. در سراسر این آثار، مفاهیم اسلامی و قرآنی موج می زند و پیوند اسلام را با زبان فارسی، جاودان می سازد.

رسول اکرم(ص) با فرزندان خود به مهر و عطوفت رفتار می کرد و می فرمود: «فرزندان ما پاره جگر ما هستند». با خدمت کارانش نیز رأفت و عطوفت داشت. از بیماران عیادت می کرد. سخن همنشین را نمی برید.

بال بالی با همه تماشاگران فرق داشت. چیز دیگری بود، سؤال هایی می کرد که در برنامه من نبود و همین

باعث می شد جواب های من غلط از آب در نیاید. او حتی یک بار هم مرا تحسین نکرد ...